

# توسعه اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۲ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹

ناصر جهانیان\*

## چکیده

اقتصاد توسعه یا علم اقتصاد کشورهای در حال توسعه شاخه‌ای تحقیقاتی است که از یک سو با تفسیر فراگرد تخصیص منابع و تحول اقتصادی در این کشورها سروکار دارد و از سوی دیگر مرتبط با توصیه‌های عملی برای دستیابی به توسعه اقتصادی (مبتنی بر برنامه‌ریزی) است. با تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ که در آن بر توسعه و پیشرفت اسلامی - انسانی ایران تأکید شده، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی مطابق اصل ۴۴ بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح طراحی شد و مطابق اصل ۱۲۶، رئیس‌جمهور مسئولیت امور برنامه‌ریزی کشور را بر عهده دارد و

\* عضو هیئت علمی گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

nhj۱۳۳۷@yahoo.com

می‌تواند برای خود معاونی در امر توسعه و برنامه‌ریزی داشته باشد. بر این اساس فرایند برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی از سال ۱۳۶۸ و پس از پایان جنگ تحمیلی آغاز شد و نظام اقتصادی کشور طی پنج برنامه توانست ضمن ایجاد تغییرات ساختاری اساسی در فرایند تولید و توزیع، شاخص توسعه انسانی پایین قبل از انقلاب را به شاخص توسعه انسانی بالا برساند. انقلاب اسلامی ایران هر چند هنوز تا رسیدن به آرمان‌های اقتصادی خود فاصله زیادی دارد، توانست اولاً به الگوی توسعه وابسته پایان دهد؛ ثانیاً نوعی الگوی توسعه مستقل را به ارمغان آورد. رشد معتدل اقتصادی همراه با فقرزدایی، تغییر ساختار اقتصادی و کاهش نابرابری از اجزای این الگوی توسعه است که درس‌های جدیدی در اقتصاد توسعه دارد. البته پس از تحریم‌های به اصطلاح فلج‌کننده سال ۱۳۹۰ فرایند برنامه‌ریزی کشور دچار آسیب‌های جدی شد؛ به نحوی که ۶.۴ درصد از رشد منفی ۶.۸ درصدی سال ۱۳۹۱، پیامد تحریم‌های نفتی و تجاری و بانکی بود؛ از این رو رهبری نظام جمهوری اسلامی و مدیریت اقتصادی کشور در مقابل این تحریم‌هایی که هر نظام دیگر را می‌توانست فلج کند- «سیاست‌های اقتصاد مقاومتی» را اجرا کردند که مبنای برنامه ششم توسعه اقتصادی کشور گردید. توفیق در اجرای این سیاست‌ها می‌تواند الگوی جدیدی برای اقتصاد توسعه (اقتصاد پیشرفت به تعبیر مقام معظم رهبری) به ارمغان آورد که نه تنها قادر است ایران را به یکی از قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان تبدیل کند، بلکه همچنین می‌تواند الگویی برای کشورهای مستقل و در حال توسعه شود.

**واژگان کلیدی:** اقتصاد توسعه، برنامه‌ریزی، اقتصاد مقاومتی، الگوی توسعه، پیشرفت.

## مقدمه

اقتصاد توسعه یا پیشرفت یکی از زیرشاخه‌های علم اقتصاد است که از علوم انسانی- اجتماعی به شمار می‌رود. این رشته یا دیسپلین اقتصاد از یک سو با تفسیر فراگرد تخصیص منابع و تحول اقتصادی در کشورهای در حال توسعه سروکار دارد؛ از سوی دیگر مرتبط با توصیه‌های عملی برای دستیابی به توسعه اقتصادی (مبتنی بر برنامه‌ریزی) است (ر.ک: هانت، ۱۳۷۶). پیش از انقلاب اسلامی ایران، الگوی توسعه وابسته با برخی از ویژگی‌های زیر در کشور حاکم بود:

- ۱- رشد اقتصادی تک‌محصولی مبتنی بر نفت؛
- ۲- توزیع نامتعادل ثمرات رشد به لحاظ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی (به‌وجود آمدن انواع دوگانگی‌ها)؛
- ۳- خنثی‌کردن توده‌ها (عدم مشارکت مردم در توسعه)؛
- ۴- غربی‌شدن مراکز شهری بدون هر گونه فکر و تدبیر قبلی (فرایند شهرنشینی مرتبط با نابودی روستا).

مردم ایران در سال ۱۳۵۷ به نام اسلام و به رهبری امام خمینی<sup>ع</sup> با شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» انقلاب کردند و نظام پهلوی را ساقط ساختند. تشکیل «جمهوری اسلامی» از طریق همه‌پرسی و تأیید ۹۸.۲ درصدی آن و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که اهداف توسعه‌ای نظام اجتماعی - فرهنگی اسلامی ایران در آن متبلور است و تأیید ۷۵.۲۳ درصدی این قانون توسط مردم، یکی از بنیادی‌ترین خدمات آن

بزرگوار به ملت شریف ایران بود. /امام خمینی\* بر این اعتقاد بودند که عامل عقب‌ماندگی و انحطاط ایران و ایرانی وجود حکومت شاهنشاهی در طول تاریخ ایران به‌ویژه شاهان جنایت‌کار و خیانتکار و وابسته سلسله پهلوی در دوران نوسازی وابسته و توسعه غربی‌ساز است.<sup>۱</sup> رژیم پهلوی به عنوان آلت دست اجانب و استعمار، آسیب‌های فرهنگی، مذهبی، سیاسی، آموزشی، اقتصادی و نظامی فراوانی بر ایران و ایرانی وارد آورد (ر.ک: امام خمینی\*، [بی‌تا]، ص ۲۲۲).

با تدوین و تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ که در آن بر توسعه و پیشرفتی اسلامی - انسانی در سرزمین ایران تأکید شده، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی مطابق اصل ۴۴ بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح طراحی شد و مطابق اصل ۱۲۶، رئیس‌جمهور مسئولیت برنامه‌ریزی امور کشور را بر عهده دارد و می‌تواند برای خود معاونی در امر توسعه و برنامه‌ریزی تعیین کند. بر این اساس فرایند برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی از سال ۱۳۶۸ و پس از پایان جنگ تحمیلی آغاز شد و نظام اقتصادی کشور طی پنج برنامه توسعه توانست ضمن تغییرات ساختاری اساسی در فرایند تولید و توزیع، شاخص توسعه انسانی پایین قبل از انقلاب را به سطحی بالا برساند.<sup>۲</sup>

۱. درباره تحلیل و تبیین چرایی و چگونگی رخداد انقلاب اسلامی ایران صدها کتاب و مقاله نوشته شده که می‌توان به آنها رجوع کرد.  
 ۲. به مبحث «بررسی شاخص توسعه انسانی در نظام جمهوری اسلامی» رجوع کنید.

این مهم از طریق اجرای نسبی پنج برنامه توسعه اقتصادی اول تا پنجم پس از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۹۰ تحقق یافت. روشن است که فرایند برنامه‌ریزی توسعه در ایران مبتنی بر قانون اساسی و مکتب اقتصادی اسلام است و همه اجزای نظام جمهوری اسلامی از ولایت فقیه، مجمع تشخیص مصلحت، دولت، مجلس، نظام اطلاعات و آمار، مدیران میانی و سازمان‌های برنامه و بودجه استانی و ده‌ها گروه کارشناسی، درگیر انجام آن هستند؛ از این رو نظام توسعه اقتصادی خاصی در کشور از آغاز برنامه اول توسعه شکل گرفته است. در این دوره فرایند تخصیص منابع فیزیکی، مالی و انسانی و همچنین سیاست‌های عملی برای دستیابی به سازه توسعه اقتصادی (اجزای اقتصاد توسعه) مطابق سلیقه‌های دولت‌های گوناگون در جمهوری اسلامی به شکل خاصی تفسیر و تحلیل شده‌اند. ادبیات دولت‌های سازندگی، توسعه سیاسی و مهرورزی هرچند تا حدودی متفاوت بوده اما همه آنها کم و بیش چاره‌ای نداشتند مگر اینکه در چارچوب قانون اساسی و مکتب اقتصادی اسلام عمل کنند.

هنگامی که به سازه پیشرفت و توسعه اقتصادی پنج دوره برنامه‌ریزی

توسعه کشور نگاه می‌کنیم، چند امر به‌خوبی دریافت می‌شود:

۱. در همه الگوهای توسعه، اولین بخش این سازه یعنی رشد اقتصادی تحقق یافت. البته این رشد، ملایم است (نه خیلی تند و نه خیلی کند).
۲. شاخص‌های عدالت بسیار بهبود یافت.
۳. ساختار اقتصادی نسبتاً سالم، مبتنی بر تولید ملی محقق شد.

۴. این رشد ملایم اقتصادی نسبتاً اشتغال‌زا بود؛ هرچند با توجه به شمار بالای جمعیت جوان، می‌بایست رشد اقتصادی بالاتری تحقق می‌یافت.

۵. انقلاب اسلامی ایران هرچند هنوز تا رسیدن به آرمان‌های اقتصادی خود فاصله زیادی دارد، توانست به الگوی توسعه وابسته را پایان بخشد.

البته پس از تحریم‌های به‌اصطلاح فلج‌کننده سال ۱۳۹۰ از شتاب فرایند برنامه‌ریزی کشور کاسته شد؛ به نحوی که ۶.۴- از رشد منفی ۶.۸ درصدی سال ۱۳۹۱، معلول تحریم‌های نفتی، تجاری و بانکی بود؛ از این رو رهبری جمهوری اسلامی و مدیریت اقتصادی کشور در مقابل این تحریم‌ها -که هر نظام دیگر را می‌توانست فلج کند- سیاست‌هایی را طراحی و اجرا کردند که «سیاست‌های اقتصاد مقاومتی» نامیده شد و مبنای برنامه ششم توسعه اقتصادی کشور قرار گرفت. اجرای موفق این سیاست‌ها می‌تواند الگوی جدیدی برای اقتصاد توسعه به ارمغان آورد. این الگو هم می‌تواند ایران را به یکی از قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان تبدیل کند، هم الگویی برای کشورهای مستقل و در حال توسعه دنیا شود.

در این مقاله نشان داده می‌شود انقلاب اسلامی با استفاده از فرایند برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی، ضمن رعایت و در نظر داشتن مؤلفه‌ها و شاخص‌های عام و جهان‌شمول اقتصاد توسعه، مانند رشد اقتصادی، فقرزدایی، اشتغال‌زایی و تغییرات سالم و مستقل ساختار اقتصادی، به نوع خاصی از تخصیص منابع و سیاست‌ها دست یافت که علی‌رغم

خسارت‌های ناشی از جنگ، تحریم‌ها و دشمنی‌های غرب، به اندازه قابل  
قبولی از مؤلفه‌ها و شاخص‌های فوق نایل شد.

۱۶۵



توسعه اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی ایران

نشان می‌دهد اقتصاد کشور در این بازه از رشد اقتصادی ملایمی برخوردار بود. علی‌رغم رشد منفی سال ۱۳۷۳ و رشدهای اندک سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۷، میانگین رشد ۲۳ سال (از ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰) ۸.۴ درصد و مساعد بوده است (جدول شماره ۱). این ارزیابی در قیاس با بقیه کشورهای منطقه خاورمیانه و افریقای شمالی (MENA) است که از رشد میانگین ۲.۴ درصد سالانه در خلال دوره ۱۹۶۰-۲۰۰۲ برخوردار بوده‌اند (ر.ک: جهانیان، ۱۳۸۸، ص ۵۸۹). تولید ملی در این دوره تقریباً سه برابر افزایش یافت که هرچند نسبت به دوره مورد نظر پیش از انقلاب (۵ برابر) کمتر است، با توجه به انواع تحریم‌های آشکار و پنهان علیه جمهوری اسلامی چندان نامطلوب نیست؛ ضمن اینکه آنچه از صرف بزرگ‌شدن اقتصاد کشور، اهمیت بیشتری دارد، سلامت ساختار تولید و اقتصاد از حیث توسعه صنعتی است. این افزایش سهم بخش صنعت در تولید ملی به ۲۵ درصد و کاهش سهم بخش نفت به کمتر از ۱۰ درصد نوید می‌دهد که اقتصاد کشور به استقلال و صنعتی‌شدن نزدیک می‌شود.

جدول ۱: تولید ناخالص داخلی و رشد آن بین سال‌های ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۹۰ (میلیارد ریال، به

قیمت ثابت سال ۱۳۸۳)

سال	تولید ناخالص داخلی	درصد رشد
۱۳۶۸	۷۸۹۱۳۳	۹.۵
۱۳۶۹	۷.۸۹۹۹۶۴	۰.۱۴
۱۳۷۰	۴.۱۰۱۰۶۰۱	۳.۱۲





سال	تولید ناخالص داخلی	درصد رشد
۱۳۷۱	۱۰۴۱۵۷۰	۱.۳
۱۳۷۲	۷.۱۰۵۵۶۸۹	۴.۱
۱۳۷۳	۴.۱۰۴۵۹۶۳	-۹.۰
۱۳۷۴	۲.۱۰۷۴۰۴۴	۷.۲
۱۳۷۵	۹.۱۱۳۱۹۴۵	۴.۵
۱۳۷۶	۳.۱۱۴۱۳۰۵	۸.۰
۱۳۷۷	۱۱۶۶۳۷۶	۲.۲
۱۳۷۸	۴.۱۱۸۶۱۷۷	۷.۱
۱۳۷۹	۴.۱۲۵۳۴۷۲	۷.۵
۱۳۸۰	۱۲۷۹۱۹۳	۱.۲
۱۳۸۱	۳.۱۳۸۳۱۱۶	۱.۸
۱۳۸۲	۹.۱۴۹۹۵۲۷	۴.۸
۱۳۸۳	۲.۱۵۶۹۰۶۶	۶.۴
۱۳۸۴	۱.۱۶۶۸۱۸۶	۳.۶
۱۳۸۵	۱۷۶۹۴۲۶	۱.۶
۱۳۸۶	۷.۱۹۰۶۴۴۶	۷.۷
۱۳۸۷	۱۹۱۸۶۸۱	۶.۰
۱۳۸۸	۵.۱۹۴۲۹۸۹	۳.۱
۱۳۸۹	۹.۲۰۶۸۹۱۱	۵.۶
۱۳۹۰	۱.۲۱۵۷۹۳۴	۳.۴
	میانگین رشد	۸.۴

به هر تقدیر رشد اقتصادی ایران نسبت به رقبای منطقه‌ای در سند چشم‌انداز یعنی ترکیه و عربستان از وضعیت بهتری برخوردار است.



مطابق گزارش «شاخص‌های توسعه جهانی» بانک جهانی در سال ۲۰۱۱، رشد اقتصادی در کشورهای ایران، ترکیه و عربستان در سال ۲۰۰۱، به‌ترتیب با ۷.۳، ۷.۵- و ۵.۰ درصد بوده که در سال ۲۰۰۵، به‌ترتیب به ۶.۴، ۴.۸ و ۶.۵ درصد رسیده است. در سال ۲۰۰۹ نیز رشد اقتصادی این کشورها به‌ترتیب ۸.۱، ۷.۴- و ۱.۰ درصد بود. نوسانات رشد اقتصادی ایران نسبت به این دو کشور کمتر بوده و با میانگین نرخ رشد ۱.۵ درصد در جایگاه بالاتری نسبت به ترکیه و عربستان قرار دارد (ر.ک: دانش جعفری و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۴۱۵).

جدول ۴: رشد اقتصادی سه کشور منطقه غرب آسیا (درصد)

کشور	سال ۲۰۰۱	سال ۲۰۰۵	سال ۲۰۰۹	میانگین ۹ ساله
ایران	۷.۳	۶.۴	۸.۱	۱.۵
ترکیه	-۷.۵	۳.۸	-۷.۴	۴.۳
عربستان	۵.۰	۶.۵	۱.۰	۲.۳

منبع: بانک جهانی، شاخص‌های توسعه جهانی، ۲۰۱۱.

جدول شش: درصد یا سهم درآمدی بخش‌های چهارگانه اقتصاد (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۳)

سال	کشاورزی	صنعت و معدن	نفت	خدمات
۱۳۶۸	۹.۷	۳.۱۵	۴.۳۰	۴.۴۶
۱۳۶۹	۷.۷	۷.۱۵	۷.۳۱	۹.۴۴
۱۳۷۰	۲.۷	۲.۱۷	۸.۳۱	۸.۴۳
۱۳۷۱	۷.۷	۰.۱۷	۰.۳۱	۳.۴۴
۱۳۷۲	۷.۷	۴.۱۶	۰.۳۲	۹.۴۳



سال	کشاورزی	صنعت و معدن	نفت	خدمات
۱۳۷۳	۹.۷	۸.۱۶	۲.۳۰	۱.۴۵
۱۳۷۴	۰.۸	۲.۱۶	۱.۳۰	۷.۴۵
۱۳۷۵	۸.۷	۱.۱۸	۵.۲۸	۶.۴۵
۱۳۷۶	۸.۷	۶.۱۸	۵.۲۶	۱.۴۷
۱۳۷۷	۴.۸	۵.۱۷	۵.۲۶	۶.۴۷
۱۳۷۸	۷.۷	۲.۱۹	۶.۲۴	۵.۴۸
۱۳۷۹	۵.۷	۰.۲۰	۳.۲۵	۲.۴۷
۱۳۸۰	۲.۷	۲.۲۲	۱.۲۲	۵.۴۸
۱۳۸۱	۶.۷	۴.۲۳	۹.۲۰	۱.۴۸
۱۳۸۲	۳.۷	۰.۲۳	۱.۲۲	۶.۴۷
۱۳۸۳	۰.۷	۶.۲۲	۶.۲۱	۸.۴۸
۱۳۸۴	۳.۷	۸.۲۲	۳.۲۰	۶.۴۹
۱۳۸۵	۳.۷	۵.۲۲	۴.۱۹	۸.۵۰
۱۳۸۶	۹.۶	۶.۲۲	۲.۱۸	۳.۵۲
۱۳۸۷	۳.۵	۱.۲۴	۱.۱۸	۵.۵۲
۱۳۸۸	۷.۵	۶.۲۴	۸.۱۶	۹.۵۲
۱۳۸۹	۶.۵	۰.۲۵	۴.۱۶	۰.۵۳
۱۳۹۰	۴.۵	۲.۲۵	۶.۱۵	۸.۵۳
۱۳۹۱	۰.۶	۲.۲۵	۵.۱۰	۳.۵۸
۱۳۹۲	۴.۶	۱.۲۵	۸.۹	۷.۵۸
۱۳۹۳	۵.۶	۴.۲۵	۹.۹	۲.۵۸



## مقدمه‌ای بر رابطه رشد تولید و رشد اشتغال

مهم‌ترین ارزش در اقتصاد کلان این است که رشد اقتصادی، اشتغال مناسب با آن کشور را فراهم کرده و درآمد مکفی را برای آحاد جامعه به ارمغان آورد و فقر را ریشه‌کن نموده، نابرابری را کاهش دهد و بیکاری را که منشأ بسیاری از آفات است، از میان بردارد.

با توجه به اهداف اشتغال‌زایی و مقابله با بیکاری، رابطه بین دو متغیر رشد اقتصادی و نرخ بیکاری، همواره حائز اهمیت بوده است. ارتباط بین دو متغیر رشد تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی) و رشد اشتغال را می‌توان در چهار حالت بررسی کرد:

۱. رشد اشتغال‌زا: رشد بالای تولید و اشتغال (-Employment)

؛(intensive Growth, or Job Rich Growth)

۲. رشد بدون اشتغال: رشد بالای تولید و رشد پایین اشتغال (Jobless

Growth)

۳. رکود اشتغال‌زا: رشد پایین تولید و رشد بالای اشتغال (مثل ژاپن)؛

۴. رکود بدون اشتغال: رشد پایین تولید و اشتغال (مثل اکثر کشورهای فقیر).

مطابق «قانون اوکان»<sup>۱</sup> -که یک قاعده تجربی، تقریبی و سرانگشتی است- می‌بایست هر واحد افزایش رشد اقتصادی، دو واحد بیکاری را

۱. طبق قانون اوکان یک درصد رشد تولید ناخالص ملی باعث کاهش دودرصدی در نرخ بیکاری می‌شود.



کاهش دهد؛ اما اگر راهبردهای حداکثرسازی رشد اقتصادی، سرمایه‌بر و کاراندوز باشد، قطعاً این قاعده جاری نخواهد شد. در مقابل، اگر این راهبردها کاربر و سرمایه‌اندوز باشند یا ترکیب مناسبی از فناوری‌های سرمایه‌بر، کاربر و خنثی (تقسیم کار) در این راهبردهای حداکثرسازی رشد استفاده شوند، رشد اقتصادی اشتغال‌زا خواهد بود؛ اما رشد بدون اشتغال در گزارش «UNDP» ۱۹۹۶ به معنای رشد اشتغال کمتر نسبت به رشد سطح تولید- به عنوان رشد بدون اشتغال تلقی شده است. در گزارش اشتغال جهانی (۲۰۰۴-۲۰۰۵) و همچنین سازمان بین‌المللی کار به رشد بدون اشتغال اشاره شده است که در این وضعیت، رشد اشتغال نسبت به رشد سطح تولید، بسیار کمتر است (ر.ک: خوش‌کلام خسروشاهی، ۱۳۹۴، ص ۱۸).

حال باید تحقیق کرد که اقتصاد ایران در برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب -با رشد اقتصادی حدود ۹ درصدی- و برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب (۱۳۶۸-۱۳۹۰) -با رشد اقتصادی حدود ۵ درصدی- چه اندازه اشتغال‌زایی داشته است؟ آیا رشد اقتصادی در این دوران‌ها اشتغال‌زا بوده یا بدون اشتغال؟ برهه‌هایی از اقتصاد ایران قبل و بعد از انقلاب که رکود همراه با اشتغال یا بدون اشتغال هم داشته، خارج از بحث توسعه اقتصادی یعنی رشد اقتصادی کمی و کیفی است و در این تحقیق بررسی نمی‌شود. نکته دیگر آن است که هرچند در پی تغییر تعریف جمعیت شاغل و مطابق تعریف استاندارد سازمان بین‌المللی کار ممکن است مقایسه مباحث

اشتغال و بیکاری از سال ۱۳۸۴ با قیل از آن مشکل باشد، به هر تقدیر تلاش می‌شود این تحقیق به نحوی سامان یابد که حقیقت، پنهان یا انکار نگردد.

نکته آخر این است که هدف این تحقیق، بررسی بازار کار و تحلیل عرضه و تقاضای نیروی کار و مسائل مرتبط با آن نیست؛ بلکه فقط ملاحظه این است که آیا رشد اقتصادی طی چند برنامه توسعه، اشتغال را بوده است یا خیر؟

### بررسی رشد اشتغال‌زا در نظام جمهوری اسلامی

مطابق داده‌های جدول شماره ۲، از برنامه‌های توسعه در جمهوری اسلامی -۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰- که هنوز تحریم‌های اقتصادی بی‌سابقه در جهان آتارش را بر اقتصاد ایران آن‌چنان نشان نداده بود، می‌توان به‌آسانی دریافت که میانگین سالانه رشد ملایم اقتصادی ۴.۸ درصد، میانگین سالانه رشد اشتغال ۳.۱ درصد را ایجاد کرد. در طول این ۲۳ سال، میانگین سالانه رشد اشتغال ۴۲۶۵۴۰ نفر بود. خالص اشتغال جدید در ۲۰ سال مثبت بود و فقط در سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ منفی شد. خالص اشتغال جدید در سال‌های ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۴ به بیش از یک میلیون نفر رسید.

جدول شماره ۲: روند تغییرات رشد تولید و اشتغال

سال/شاخص	نرخ رشد تولید	تعداد شاغلین	خالص اشتغال جدید	نرخ رشد شاغلان
۱۳۶۸	۹.۵	۱.۶۹۹۶۰۰	۴۰۸۶۰۰ نفر	۰.۴٪
۱۳۶۹	۰.۱۴	۱۱۷۹۹۷۰۰	۱۱۰۰۱۰۰	۳.۱۰
۱۳۷۰	۳.۱۲	۱۳۰۹۶۶۰۰	۱۲۹۶۹۰۰	۰.۱۱
۱۳۷۱	۱.۳	۱۳۶۸۷۲۳۰	۵۹۰۶۳۰	۵.۴
۱۳۷۲	۴.۱	۱۴۰۶۵۹۴۰	۳۷۸۷۱۰	۸.۲
۱۳۷۳	-۹.۰	۱۴۱۱۵۵۵۰	۴۹۶۱۰	۳.۰
۱۳۷۴	۷.۲	۱۴۱۹۲۷۱۰	۷۷۱۶۰	۵.۰
۱۳۷۵	۴.۵	۱۴۵۳۰۸۰۰	۳۳۸۰۹۰	۴.۲
۱۳۷۶	۸.۰	۱۴۸۰۳۰۰۰	۲۷۲۲۰۰	۹.۱
۱۳۷۷	۲.۲	۱۴۹۶۳۰۰۰	۱۶۰۰۰۰	۱.۱
۱۳۷۸	۷.۱	۱۵۲۴۴۰۰۰	۲۸۱۰۰۰	۹.۱
۱۳۷۹	۷.۵	۱۵۷۵۵۰۰۰	۵۱۱۰۰۰	۳.۳
۱۳۸۰	۱.۲	۱۶۵۲۰۰۰۰	۷۶۵۰۰۰	۸.۴
۱۳۸۱	۱.۸	۱۷۵۹۶۲۲۳	۱۰۷۶۲۲۳	۵.۶
۱۳۸۲	۴.۸	۱۸۲۸۷۱۷۸	۶۹۰۹۵۵	۹.۳
۱۳۸۳	۶.۴	۱۸۹۰۶۰۰۰	۶۱۸۸۲۲	۴.۳
۱۳۸۴	۳.۶	۲۰۶۱۸۵۷۹	۱۷۱۲۵۷۹	۱.۹
۱۳۸۵	۱.۶	۲۰۸۴۱۴۲۰	۲۲۲۸۴۱	۱.۱
۱۳۸۶	۷.۷	۲۱۰۹۲۴۷۷	۲۵۱۰۵۷	۲.۱
۱۳۸۷	۶.۰	۲۰۵۰۰۳۱۰	-۵۹۲۱۶۷	-۸.۲
۱۳۸۸	۳.۱	۲۱۰۰۰۷۰۴	۵۰۰۳۹۴	۴.۲
۱۳۸۹	۵.۶	۲۰۶۵۶۶۹۳	-۳۴۴۰۱۱	-۶.۱
۱۳۹۰	۳.۴	۲۰۵۱۰۰۲۵	-۱۴۶۶۶۸	-۷.۰





میانگین رشد	۴.۸٪	۴۰۴۰۴۶۲ نفر	-	۳.۱٪
-------------	------	-------------	---	------

مأخذ: آمار نرخ رشد تولید از حساب‌های ملی ایران (۱۳۹۱-۱۳۳۸)؛ آمار تعداد شاغلان از کتاب (نیلی، اقتصاد ایران، ۱۳۸۳)؛ سالنامه آماری ۱۳۷۹ (ص ۴۹)؛ مرکز آمار ایران (طرح آمارگیری نیروی کار)؛ دفتر اقتصاد کلان، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.

بنابراین در مقایسه تطبیقی رشد اشتغال‌زا بین دو نظام شاهنشاهی پهلوی و نظام جمهوری اسلامی در دوران آرامش و برنامه‌ریزی توسعه، می‌توان با اطمینان کامل اذعان کرد که اشتغال‌زایی در جمهوری اسلامی به مراتب در سطح بالاتری از نظام پهلوی قرار دارد. جالب است که مطابق گزارش تحقیقی «مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» حتی پس از انقلاب، جنگ و تحریم‌های اقتصادی علی‌رغم رکود اقتصادی، تعداد شاغلان افزایش یافت. این گزارش می‌نویسد: «در دوره ۱۳۵۵-۱۳۶۵، تعداد کل شاغلان با متوسط نرخ رشد سالانه‌ای معادل ۲.۳ درصد به ۱۱۰۰۱.۵ هزار نفر افزایش یافت. نرخ رشد اشتغال در این دوره نسبت به دوره قبل افزایش یافت؛ در حالی که انتظار می‌رفت به علت انقلاب، جنگ و تحریم‌های اقتصادی، اشتغال رشد چندانی نداشته باشد. در این دوره تولید ناخالص داخلی به طور متوسط سالانه ۲ درصد کاهش یافت که بر افزایش اشتغال تأثیر منفی داشت. از طرف دیگر سرمایه سرانه نیز به طور متوسط سالانه ۲ درصد کاهش یافت که بر افزایش اشتغال تأثیر مثبت گذاشت؛ بنابراین یکی از دلایل افزایش





اشتغال در این سال‌ها به استفاده از تکنیک‌های کاربر مربوط است. علاوه بر این افزایش نیروهای دفاعی کشور با شرایط خاص جنگ احتمالی نیز به افزایش اشتغال رابطه دارد. در این دوره بهره‌وری نیروی کار به طور متوسط سالانه ۴.۳ درصد کاهش یافت که در مقایسه با کاهش سرمایه سرانه، بیشتر از حد معمول است» (همان، ص ۹).

نتیجه تحقیقی دیگر که اشتغال‌زایی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه را ارزیابی کرده این است که اهداف اشتغال‌زایی آنها تا حدود زیادی تحقق یافته است (ر.ک: جدول شماره ۳).

جدول ۳: اهداف و عملکرد اشتغال‌زایی برنامه‌های توسعه اول تا چهارم

برنامه‌های توسعه/ اهداف و عملکرد اشتغال	هدف‌گذاری	عملکرد	میزان تحقق
برنامه اول توسعه	۳۹۴۰۰۰	۳۸۴۰۰۰	۹۷.۵٪
برنامه دوم توسعه	۴۰۴۰۰۰	۴۱۴۰۰۰	۱۰۲.۶
برنامه سوم توسعه	۷۶۵۰۰۰	۵۸۰۰۰۰	۷۵.۸
برنامه چهارم توسعه	۳۶۶۶۶۷	۳۳۰۰۰۰	۹۰.۰

(امینی، ۱۳۹۴، ص ۲۹-۳۱)

حتی عملکرد برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) و آمار سال ۱۳۹۵ که در دوره تحریم‌های به اصطلاح فلج‌کننده هم قرار داشت، نشان می‌دهد علی‌رغم رشد اقتصادی اندک در این دوره، شمار شاغلان از ۲۰.۶ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ با افزایشی دو میلیونی به ۲۲.۶ میلیون نفر در



سال ۱۳۹۵ رسید.

البته هرچند رقم جمعیت شاغل کشور طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ روند صعودی داشته، همچنان تفاوت آمار شاغلان، طی بازه دوازده ساله ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵ در حدود دو میلیون نفر است. این میزان افزایش در مقایسه با رشد بیش از پنج میلیون نفری شاغلان در دهه ماقبل آن یعنی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ بسیار محدود است. بررسی و تحلیل آمار بازار در دوره زمانی مذکور، حاکی از آن است که اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ از نظر اشتغال‌زایی، عملکرد مطلوبی نداشته و در این مدت فقط ۷۰۰ هزار شغل ایجاد شده است؛ یعنی اشتغال‌زایی سالانه فقط برای ۷۰ هزار نفر، در حالی که سالانه حدود ۸۰۰ تا ۸۵۰ هزار نفر عرضه جدید نیروی کار کشور است (ر.ک: جندقی، ۱۳۹۶).

### شاخص‌های نابرابری

اولین شاخص نابرابری، ضریب جینی است که از شاخص‌های مهم اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد به شمار می‌آید. اندازه این شاخص بین صفر (معرف جامعه‌ای با برابری کامل توزیع درآمد) و یک (نمایانگر عدم برابری توزیع درآمد در جامعه) تغییر می‌کند. ضریب جینی ۰.۵ تا ۱ نشان‌دهنده نابرابری بالا و نابرابری کمتر از آن قابل تحمل است. آمارهای ارائه‌شده از «اداره تحقیقات و مطالعات آماری» بانک مرکزی است که فقط در مورد خانوارهای مناطق شهری از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۹۵ را

فقط تحقیق کرده است.

دومین شاخص، نسبت هزینه دهک دهم (ثروتمندترین) به دهک اول (فقرترین)، شاخص دوم نابرابری است. همان بازه زمانی برای خانوارهای شهری از سوی اداره یادشده برای شاخص دوم نابرابری نیز تحقیق شده است. هرچه این نسبت بالاتر باشد، نشان‌دهنده نابرابری بیشتر است. این دو شاخص، مکمل یکدیگر می‌باشند. برای برآورد تقریبی افزایش طبقات متوسط و کاهش طبقات فقیر، استفاده از شاخص ضریب جینی مناسب است؛ اما ممکن است دو کشور، ضریب جینی یکسانی داشته باشند؛ ولی فاصله طبقاتی ثروتمندان و فقرا در دو کشور بسیار متفاوت باشد؛ از این رو شاخص دوم یعنی نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین به کار گرفته می‌شود.

### بررسی شاخص‌های نابرابری در نظام جمهوری اسلامی

از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه ویژه به آرمان عدالت، سیاست‌های توزیعی و بازتوزیعی زیادی به اجرا درآمد که نتیجه‌اش برخلاف کاهش رشد تولید ملی و درآمد سرانه، افزایش برابری در دهه اول پس از انقلاب حتی با وجود جنگ هشت‌ساله و تحریم‌های اقتصادی بود؛ به نحوی که برای اولین بار در سال ۱۳۶۴، ضریب جینی به ۰.۳۹۱ و نسبت دهک دهم به دهک اول به رقم ۱.۱۶ رسید. اما لازم است بدانیم با پایان جنگ تحمیلی و آغاز برنامه‌های توسعه از سال ۱۳۶۸، وضعیت

کشور تا پایان برنامه چهارم در زمینه شاخص‌های نابرابری چگونه بود؟ در جدول شماره ۲ آمارهای ضریب جینی و نسبت هزینه دهک دهم به دهک اول در سال‌های برنامه اول تا چهارم توسعه (۱۳۶۸-۱۳۹۰) به همراه درآمد سرانه و رشد آن نشان می‌دهد با وجود رشد ملایم ۴.۴ درصدی تولید ناخالص داخلی و نوسانات شدید نرخ رشد درآمد سرانه واقعی، ضریب جینی و نسبت سهم دهک ثروتمندان به سهم دهک فقیرترین‌ها به طور تدریجی و آرام، روند رو به بهبودی را طی کرده و در سال ۱۳۹۰ به ترتیب به رقم‌های ۰.۳۷۵ و ۱۲.۲ رسید. این ارقام هرچند با میزان پیش‌بینی شده در برنامه، فاصله دارد، در مقایسه با نظام پهلوی و در شرایط جهانی شدن اقتصاد و افزایش شاخص‌های نابرابری در جهان، قابل قبول است.

مطابق یک تحقیق (ر.ک: طیبیان و دیگران، ۱۳۷۹) -که در آن تأثیر سیاست‌های کلان بر شاخص‌های توزیع درآمد تا سال ۱۳۷۵ بررسی شده- اگر پارانه‌های نقدی و کالایی دولت به دهک‌های اول و دوم پرداخت نمی‌شد، متغیرهای افزایش تورم و افزایش حاشیه نرخ ارز، وضعیت شاخص‌های توزیع درآمد را بدتر می‌کرد. بعد از انقلاب افزایش حاشیه نرخ ارز باعث افزایش سهم پردرآمدترین دهک و کاهش سهم دهک‌های چهارم تا نهم می‌شود. علت این بود که گروه‌های پردرآمد، هزینه‌های دولت برای کمتر نشان دادن قیمت ارز را به خود اختصاص دادند (همان، ص ۲۳۷).

جدول شماره دو: تغییرات درآمد سرانه و رشد آن؛ ضریب جینی و نسبت هزینه دهک ثروتمند به

فقیرترین دهک

سال	درآمد سرانه به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۳- هزار ریال	رشد درآمد سرانه	ضریب جینی	نسبت هزینه دهک دهم به دهک اول
۱۳۶۸	۹.۹۱۰۰	۶.۱۰	۴۰.۹۲	۶.۱۷
۱۳۶۹	۹.۱۰۸۱۲	۸.۱۸	۳۹.۶۹	۹.۱۵
۱۳۷۰	۸.۱۱۴۳۳	۷.۵	۳۹.۹۶	۳.۱۶
۱۳۷۱	۶.۱۱۴۹۷	۶.۰	۳۸۷.۰	۹.۱۵
۱۳۷۲	۵.۱۵۴۱۳	۱.۳۴	۳۹.۷۶	۱۶
۱۳۷۳	۴.۱۵۰۵۵	-۳.۲	۳۹.۹۳	۷.۱۵
۱۳۷۴	۳.۱۴۴۵۵	-۰.۴	۴۰.۷۴	۱.۱۶
۱۳۷۵	۷.۱۴۹۸۸	۷.۳	۳۹۱.۰	۵.۱۴
۱۳۷۶	۹.۱۴۱۳۵	-۷.۵	۴۰.۲۹	۷.۱۵
۱۳۷۷	۷.۱۲۵۴۶	-۲.۱۱	۳۹.۶۵	۲.۱۴
۱۳۷۸	۳.۱۴۶۳۵	۶.۱۶	۴۰.۰۹	۴.۱۵
۱۳۷۹	۰.۱۴۸۷۹	۷.۱	۳۹.۹۱	۱۵
۱۳۸۰	۹.۱۵۱۵۴	۹.۱	۳۹.۸۵	۴.۱۴

۱۷۹



توسعه اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی ایران

سال	درآمد سرانه به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۳- هزار ریال	رشد درآمد سرانه	ضریب جینی	نسبت هزینه دهک دهم به دهک اول
۱۳۸۱	۸.۱۷۵۴۱	۷.۱۵	۰.۴۱۹۱	۹.۱۶
۱۳۸۲	۴.۱۸۴۷۷	۳.۵	۰.۴۱۵۶	۲.۱۶
۱۳۸۳	۹.۱۹۵۲۴	۷.۵	۰.۳۹۹۶	۶.۱۴
۱۳۸۴	۹.۲۱۷۲۲	۳.۱۱	۰.۴۰۲۳	۵.۱۴
۱۳۸۵	۳.۲۲۷۰۱	۵.۴	۰.۴۰۰۴	۹.۱۴
۱۳۸۶	۷.۲۵۰۸۱	۵.۱۰	۰.۴۰۴۵	۲.۱۵
۱۳۸۷	۹.۲۴۶۰۵	-۹.۱	۰.۳۸۵۹	۵.۱۳
۱۳۸۸	۵.۲۳۲۸۷	-۴.۵	۰.۳۹۳۹	۱.۱۴
۱۳۸۹	۷.۲۵۲۳۸	۴.۸	۰.۳۸۱۳	۱.۱۳
۱۳۹۰	۰.۲۶۴۸۴	۹.۴	۰.۳۷۵۰	۲.۱۲

مأخذ: جدول ۳۸ حساب‌های ملی ایران (۱۳۹۱-۱۳۳۸) / اداره تحقیقات و مطالعات آماری بانک مرکزی.

### مقایسه تطبیقی فقر در ایران

در همه مکاتب و دیدگاه‌های اقتصادی، فقر با شاخص‌های متفاوت درآمدی و غیر درآمدی سنجیده می‌شود. شاخص فقر درآمدی اعم از خط

فقر مطلق و خط فقر نسبی است و در کشورهای گوناگون با هم تفاوت دارد. به طور کلی می‌توان گفت هر قدر کشوری ثروتمندتر باشد، خط فقر ملی آن بالاتر خواهد بود؛ اما شاخص فقر غیر درآمدی که مکمل شاخص فقر درآمدی است، با شاخص توسعه انسانی اندازمگیری می‌شود و گاهی برخی شاخص‌های دیگر هم برای تکمیل بحث، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در اینجا ابتدا شاخص‌های درآمدی فقر را در ایران و برخی کشورهای منتخب، ذکر کرده و سپس به شاخص‌های غیر درآمدی اشاره می‌کنیم.

### خط فقر مطلق بین‌المللی

ایران کشوری است که مطابق تقسیم‌بندی بانک جهانی در منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی (MENA) قرار دارد و قبلاً گفته شد شمار افراد این منطقه که در فقر نسبی<sup>۱</sup> و مطلق هستند به ترتیب ۸/۱۰ درصد و ۹/۱ درصد می‌باشند. به تعبیر *خوایار سالایی مارتین و السآرتادی (۲۰۰۲)* در مقاله «رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در کشورهای عربی» کشورهای این منطقه به دو دلیل نسبت به سایر کشورهای با درآمد یکسان، دارای سطوح فقر پایین‌تری هستند: اول، سیستم عمومی کشورهای عربی تورهای

۱. مراد از فقر نسبی در اینجا یک‌سوم میانگین مصرف ملی به قیمت ثابت سال ۱۹۹۳ در سال ۱۹۹۸ می‌باشد.



ایمنی نسبتاً مؤثری را برای حفظ انسجام اجتماعی و جامعه‌ای تساوی‌گرا ایجاد نموده است. دوم، کشورهای عربی به برخورداری از یک سیستم منسجم مهم مسؤلیت‌پذیری اجتماعی توسط بخش خصوصی شناخته شده‌اند؛ به طوری که در آن سیستم، خانواده‌ها کمک‌هایی را برای اعضای خانواده خود در شرایط سخت زندگی فراهم می‌آورند و درآمدها از طریق یک شبکه خیریه مذهبی بازتوزیع می‌شود.

دو ابزار سیستم اسلامی یعنی زکات و صدقه، افراد ثروتمند جامعه را تشویق می‌کند که درصدی از درآمد و ثروت خود را به فقرا ببخشند. به طور کلی مجموع مبالغ دریافت‌شده توسط سازمان‌های خیریه به منظور بازتوزیع درآمد و توجه به فقرا ممکن است به حجم عظیمی از پول تبدیل شود. از توجه به مجموعه این علل روشن می‌شود که چرا نرخ‌های فقر کشورهای عرب نسبت به سطوح درآمدی آنها کم است (Martin and Artadi, ۲۰۰۲, p.۷).

فقر مطلق درآمدی یکدلاری و دودلاری روزانه (برحسب قدرت خرید) در ایران پس از انقلاب به‌شدت کاهش یافته است. شاخص نسبت جمعیت زیر خط فقر یکدلاری از ۹۰ درصد کل جمعیت در سال ۱۹۹۹ میلادی (۱۳۷۷ شمسی) به ۲۰ درصد در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۳) رسید. به همین ترتیب شاخص نسبت جمعیت زیر خط فقر دو دلاری از ۳۰۷ درصد در سال ۱۳۷۷ به ۱۰۳ درصد در سال ۱۳۸۳ کاهش یافت.




**Table 1-1. Proportion of Population below \$1 and \$2 (PPP) per Day (1999-2005) (%)**

Year	1999	2000	2001	2002	2003	2004	2005
Exchange Rate <sup>1</sup> (Rial)	1237.5	1531.4	1669.4	2105.8	2312.3	2712	3134.9
Based on \$1	0.9	0.9	0.6	0.6	0.5	0.3	0.2
Based on \$2	7.3	7.7	6.3	5.5	4.1	3.2	3.1

Source: Statistical Centre of Iran, Deputy for Statistical Projects, 2006.

همچنین مطابق آمارهای گزارش سال ۲۰۱۷ شاخص توسعه پایدار، فقر ۹ دلاری در ایران به شدت کاهش یافته و جمعیت آن به صفر درصد رسیده است و قرار است تا سال ۲۰۳۰ نیز این شاخص در همین حد باقی بماند. البته صفر درصد به معنای این نیست که هیچ کس زیر این خط فقر نیست، بلکه تعدادشان به حدی رسیده که در درصدگیری به صفر متمایل شده است. مطابق همین گزارش، شیوع سوء تغذیه در جمعیت ایران حدود پنج درصد است که نسبت به گزارش‌های قبلی، کاهش هفت‌درصدی<sup>۱</sup> را نشان می‌دهد ( Bertelsmann Stiftung and Sustainable Development Solutions Network, ۲۰۱۷, p.۲۰۷).

مطابق این آمارها -که تا سال ۱۳۹۵ را پوشش می‌دهد- فقر مطلق، مسئله کشور نیست؛ اما با توجه به مشکلات دی‌ماه ۱۳۹۶ و با توجه به

۱. سوء تغذیه: کسانی که در روز کمتر از ۲۱۰۰ کالری دریافت کنند. حدود ۷ تا ۸ درصد جمعیت ایران دچار فقر تغذیه‌ای هستند (جندقی، ۸۶/۸/۲۷، ص ۴، در <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=۱۰۲۱۷۳۶>).



سیاست‌های پولی، مالی به‌ویژه ارزی<sup>۱</sup> نامناسب سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۷ با شرایط تحریم‌های به اصطلاح فلج‌کننده و با توجه به روندی که سیاست‌های ناظر به رشد و توزیع دولت یازدهم که روند رو به بهبود برابری را معکوس کرد،<sup>۲</sup> باید طرح جدیدی برای فقرزدایی ارائه کرد. به تعبیر دیگر افزایش فقر از دو بخش کاهش رشد اقتصادی و افزایش نابرابری نشئت می‌گیرد؛ از این رو سیاست‌های اقتصاد مقاومتی چاره اصلی کار است که هم رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد و هم نابرابری را می‌کاهد.

### شاخص توسعه انسانی به مثابه شاخص غیر اقتصادی رفاه

تا کنون شاخص مناسب و کاملی برای تشخیص فقر معرفی نشده است و همه شاخص‌ها اعم از شاخص‌های اقتصادی رفاه (مانند شاخص هزینه مصرفی) و شاخص‌های غیراقتصادی رفاه (مانند شاخص توسعه انسانی)

۱. فقر فراگیرتر بر اثر افزایش نرخ ارز در سال ۱۳۹۷ (فرشاد مؤمنی، ۶ بهمن ۱۳۹۷، روزنامه آرمان).

۲. نسبت مخارج دهک بالا (ثروتمندترین) به مخارج دهک پایین (فقیرترین)، همانند ضریب جینی در سال‌های ۹۰ تا ۹۲ روند کاهشی داشته؛ اما از سال ۹۳ به بعد روند حرکت، شکل صعودی گرفته و از رقم ۳۳/۱۲ در سال ۹۳ به ۶۵/۱۳ در سال ۹۶ رسیده است؛ ضریب جینی تا سال ۹۲ روند کاهشی را پیش گرفت؛ اما از سال ۹۳ آهنگ نزولی تغییر کرد و به صعودی تبدیل شد. روند صعودی تا سال گذشته نیز تمدید شده است. نرخ رشد متوسط سالانه این ضریب طی دوره ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ برابر ۲/۱۹ درصد بوده است (داده‌های فصل اول گزارش میانی اقتصادی اجتماعی لایحه بودجه سال ۹۸ در خصوص مسئله توزیع درآمد و رفاه اجتماعی).

(Human Development Index=HDI) کمبودهایی دارند؛ هرچند کارشناسان مربوط به‌ویژه اقتصاددانان و متخصصان آمار در سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با حلّ مشکل فقر در صدد اصلاح و تکمیل آنها هستند.

برای رفع کاستی‌های شاخص‌های رفاه نگرش‌های موجود اقتصاد متعارف کفایت نمی‌کرد؛ بنابراین نگرش جدیدی توسط *آمارتیا سین* ابداع شد که اندکی کاستی‌های موجود را جبران می‌کرد. نگرش قابلیت‌ی به فقر و رفاه با این پیش‌فرض اساسی که «درآمد همه زندگی انسانی نیست، بنابراین پیشرفت انسانی را نمی‌توان تنها توسط درآمد سرانه اندازه‌گیری کرد». ابتکار *آمارتیا سین* و همکاری بسیاری از کارشناسان برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) این واقعیت مهم را آشکار ساخت که دستیابی به زندگی بهتر بیش از آنکه نیازمند مصرف بیشتر کالاها و خدمات باشد، ثمره پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است و بنابراین بسط ظرفیت‌های ذهنی و جسمی از طریق آموزش و سلامتی در کنار درآمد از عناصر اصلی رفاه انسانی به شمار می‌آید.

شاخص توسعه انسانی (HDI) شامل سه حوزه مهم زندگی اجتماعی و اقتصادی است که هر یک از آنها جنبه‌های متفاوتی از انتخاب برای رفاه اقتصادی را امکان‌پذیر می‌کند. این ابعاد عبارت‌اند از: عمر طولانی/سلامت (که با امید به زندگی هنگام تولّد بازتاب می‌یابد)، آموزش (که با سواد نشان داده می‌شود) و تسلّط بر منابع (که با GDP سرانه بر حسب برابری قدرت خرید دلار ایالات متحده انعکاس می‌یابد).



توسعه انسانی به طرز غیر قابل تفکیک، با آزادی پیوند خورده است و بر افزایش قابلیت‌های بشری تأکید می‌کند که انعکاس‌دهنده آزادی نیل به چیزهای گوناگونی است که مردم برای آنها ارزش قایل‌اند. به این معنا توسعه انسانی می‌تواند در چهره آزادی دیده شود. در موافقت با آنچه سین (۱۹۹۲) «آزادی‌های کارا» نامید، شاخص HDI هر زمان که دانش و فرصت‌های زندگی را اندازه می‌گیرد، رهایی از بی‌سوادی و دوری از محرومیت مادی را منعکس می‌کند.

برای ارزیابی توسعه انسانی از شاخص توسعه انسانی استفاده می‌شود که بین صفر تا یک درجه‌بندی شده است. تا سال ۲۰۰۹ شاخص توسعه انسانی، معیار مشخص و مطلقى داشت. عدد این شاخص از ۰ تا ۰/۵. نشانگر توسعه انسانی پایین، بین ۰/۵ تا ۰/۸. علامت توسعه انسانی متوسط و بین ۰/۸ تا ۱ نشانه توسعه انسانی بالا بود. از این سال طبقه‌بندی نسبی و اعتباری طراحی شد. در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۹ آمده است که «برای اولین بار ما طبقه جدیدی معرفی کرده‌ایم: توسعه انسانی خیلی بالا (با HDI ۰.۹۰۰ یا بالاتر) - در سراسر این گزارش به این گروه به مثابه «کشورهای توسعه‌یافته» اشاره کرده‌ایم. کشورهای باقیمانده به مثابه «کشورهای در حال توسعه» اشاره می‌شوند و به سه گروه دسته‌بندی می‌شوند: توسعه انسانی بالا (HDI با ارزش بین ۰.۸۹۹-۰.۸۰۰)، توسعه انسانی متوسط (HDI با ارزش بین ۰.۷۹۹-۰.۵۰۰) و توسعه انسانی پایین» (HDI با ارزش کمتر از ۰.۵۰۰) (United Nations Development

(Programme, ۲۰۰۹, p.۲۰۴).

در گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۴ دوباره تغییری در نقاط برش ثابت این شاخص داده شد. این نقاط تفکیک‌کننده عبارت‌اند از:

۱. ارقام کمتر از ۵۰۰ .۰ برای توسعه انسانی پایین؛

۲. ارقام بین ۵۰۰ .۰ تا ۶۹۹ .۰ برای توسعه انسانی متوسط؛

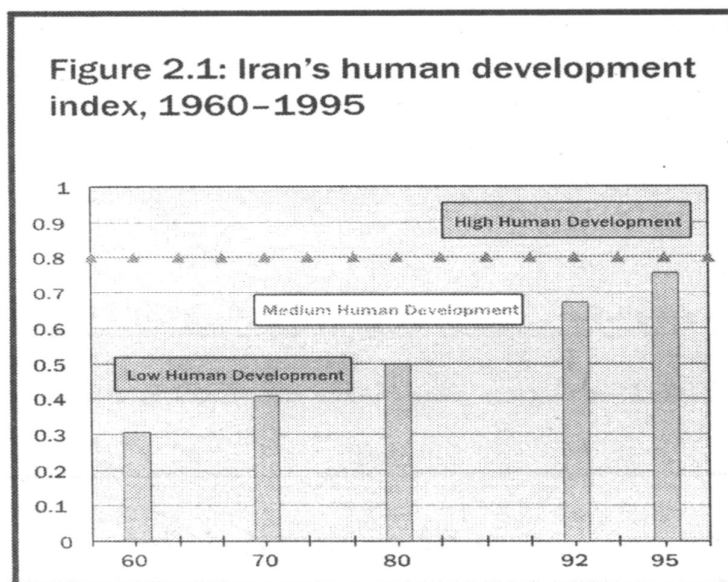
۳. ارقام بین ۷۰۰ .۰ تا ۷۹۹ .۰ برای توسعه انسانی بالا؛

۴. ارقام ۸۰۰ .۰ تا یک برای توسعه انسانی خیلی بالا ( United Nations Development Programme, ۲۰۱۴, p.۱۵۶).

در گزارش‌های توسعه انسانی که از سال ۱۹۹۰ منتشر شده، طبیعی است اطلاعات محدودی از این شاخص برای سال‌های قبل از ۱۹۷۹ میلادی (۱۳۵۷ شمسی) وجود داشته باشد. در گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۸-۲۰۰۷، ارقام ۵۷۱ .۰ و ۵۷۸ .۰ برای این شاخص به‌ترتیب در سال‌های ۱۹۷۵ (۱۳۵۳) و ۱۹۸۰ (۱۳۵۸) به دست آمد (United Nations Development Programme, ۲۰۰۷-۲۰۰۸, p.۲۳۳)؛ اما در گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۳، رقم ۴۴۳ .۰ برای سال ۱۳۵۸ درج شد که اصلاحاتی را در آمارها و شیوه‌های دستیابی به این ارقام نشان می‌دهد (United Nations Development Programme, ۲۰۱۳, p.۱۴۹).

تنها منبع معتبری که درباره وضعیت شاخص توسعه انسانی در نظام پهلوی وجود دارد، گزارشی است که با همکاری سازمان برنامه و بودجه و سازمان ملل تهیه و در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۷) منتشر شده و در آن نموداری

است که نشان می‌دهد رقم این شاخص در سال‌های بین ۱۹۶۰ (۱۳۳۸) تا ۱۹۸۰ (۱۳۵۸) تقریباً بین ۳.۰ تا ۵.۰ بود؛ یعنی، وضعیت توسعه انسانی پایین (United Nations in the Islamic Republic of Iran and Plan and Budget Organization of the Islamic Republic of Iran, ۱۹۹۹, p.۱۵).



### بررسی شاخص توسعه انسانی در نظام جمهوری اسلامی

اولین گزارش‌های توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ میلادی تا آخرین آن در

سال ۲۰۱۶ میلادی نشان‌دهنده پیشرفت نظام جمهوری اسلامی در HDI است. علاوه بر رشد ملایم تولید ملی آنچه باعث پیشرفت این شاخص حتی در دوران جنگ تحمیلی شد، رشد آموزش و بهداشت بود که مهارت، سواد و سلامت مردم را برای افزایش رفاه و رفع فقر بهبود بخشید. شاخص امید به زندگی از ۴۹.۵ سال در ۱۹۶۰ (۱۳۳۸) به ۶۱.۶ سال در ۱۹۸۸ (۱۳۶۶) افزایش یافت. شاخص سواد بزرگسالان از ۴۱.۸ درصد در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) به ۵۷.۱ درصد در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۶) رسید. نرخ ثبت‌نام در مدارس از ۴۶ درصد در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۸) به ۶۵.۶ درصد در سال ۱۳۶۶ رشد یافت (Ibid, p.۱۶).

پس از پایان جنگ تحمیلی و آغاز برنامه‌های توسعه، شاخص توسعه انسانی شاهد یکی از بالاترین رشدها به‌ویژه در دهه دوم انقلاب بود. گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۱۶ در جدول ۲ ضمیمه آماری خود که درباره روندهای شاخص توسعه انسانی ۱۸۸ کشور جهان است، روند رشد این شاخص را در سال‌های پس از برنامه‌های توسعه کشور نشان می‌دهد (جدول ۳).

جدول ۳: شاخص و میانگین رشد سالانه HDI و مقایسه میانگین رشد با کشورهای منتخب

متغیرها/سال و دوره	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۰۰-۱۹۹۰	۲۰۱۰-۲۰۰۰	۲۰۱۵-۲۰۱۰	۱۹۹۰-۲۰۱۵
شاخص HDI ایران	۰.۵۷۲	۰.۶۶۶	۰.۷۴۵	۰.۷۷۴	-	-	-	-

متغیرها/سال و دوره	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۰۰-۱۹۹۰	۲۰۱۰-۲۰۰۰	۲۰۱۵-۲۰۱۰
میانگین رشد سالانه HDI ایران (دوم)	-	-	-	-	۵۳.۱	۱۲.۱	۷۸.۰
میانگین رشد سالانه HDI چین (اول)	-	-	-	-	۷۲.۱	۷۰.۱	۵۵.۱
میانگین رشد سالانه HDI ترکیه (سوم)	-	-	-	-	۲۶.۱	۲۲.۱	۸۱.۰
میانگین رشد گروه کشورهای با توسعه انسانی بالا	-	-	-	-	۰۴.۱	۱۹.۱	۸۳.۰

مأخذ: جدول ۲ ضمیمه آماری گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۶ / Trends in the Human Development Index, ۱۹۹۰-۲۰۱۵

جدول ۳ نشان می‌دهد شاخص توسعه انسانی از سال ۱۹۹۰، یعنی سال ۱۳۶۸ که سال اول برنامه توسعه جمهوری اسلامی بود، از گروه کشورهای با توسعه انسانی پایین در نظام پهلوی (رقم ۰.۴۴۳) برای سال ۱۳۵۸) به گروه کشورهای با توسعه انسانی متوسط با رقم ۰.۵۷۲ ارتقا یافت. طی سه برنامه اول، دوم و سوم، ایران به شاخص توسعه انسانی بالا دست یافت (رقم ۰.۷۰۶ در سال ۲۰۰۷ یا ۱۳۸۵) (ر.ک: United



۱۴۹، p. ۲۰۱۳، Nations Development Programme). برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه، ایران را به عدد ۰.۷۷۴ رساند که نزدیک‌شدن کشور به شاخص توسعه انسانی خیلی بالا یعنی ۰.۸ را نشان می‌دهد.

همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، در گروه کشورهای با توسعه انسانی بالا (۵۳ کشور)، میانگین رشد سالانه ایران در این شاخص در دوره ۲۵ ساله (۱۹۹۰-۲۰۱۵) (۰.۱۲۲) از میانگین رشد سالانه این گروه در این شاخص (۰.۱۰۶) به اندازه ۰.۱۶ درصد بالاتر است. در این گروه فقط چین با میانگین رشد سالانه ۰.۱۵۷ درصد وضعیت بهتری از ایران دارد. ترکیه با میانگین رشد سالانه ۰.۱۱۵ درصد، کشور سوم بعد از ایران در متغیر یادشده در دوره ۱۹۹۰-۲۰۱۵ است.

اگر تحریم‌های ظالمانه و به اصطلاح فلج‌کننده نبود، مطمئناً میانگین رشد سالانه این شاخص در دوره (۲۰۱۰-۲۰۱۵) به ۰.۷۸ درصد نمی‌رسید. در واقع از سال ۲۰۱۳ (۱۳۹۱) اجزای شاخص ترکیبی توسعه انسانی یا نرخ رشدشان کاهش یافت (امید به زندگی و میانگین سال‌های تحصیل) یا نرخ رشدشان در برخی سال‌ها منفی شد (سال‌های انتظار و امید به تحصیل و درآمد سرانه برحسب قدرت خرید دلار سال ۲۰۱۱). چنان‌که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، همه اجزای این شاخص، طی دوران ۲۵ ساله (۲۰۱۵-۱۹۹۰) جز سال ۲۰۱۳ حکایت از پیشرفت رفاه‌قابلیتی مردم می‌کند. طی این دوران ۲۵ ساله امید به زندگی در بدو تولد ۰.۱۱۸ سال، میانگین سال‌های تحصیل ۰.۴۶ سال و سال‌های امید به تحصیل تا ۰.۶۲



سال افزایش یافت. درآمد ناخالص ملی سرانه تا حدود ۶.۶۰ درصد بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۳ افزایش یافت ( Briefing note for countries on )  
 ۲. p. (the ۲۰۱۶ Human Development Report, ۲۰۱۶, p.۲).

جدول ۴: روند مقادیر شاخص توسعه انسانی و اجزای آن مبتنی بر داده‌های سازگار سری زمانی

مقدار شاخص HDI	درآمد ناخالص ملی سرانه (برحسب قدرت خرید دلار ۲۰۱۱)	میانگین سال‌های تحصیل	سال‌های امید به تحصیل	سال‌های امید به زندگی	سال/متغیرها
۰.۵۷۲	۱۰۲۰۶	۲.۴	۲.۹	۸.۶۳	۱۹۹۰
۰.۶۶۶	۱۱۸۹۴	۲.۶	۶.۱۱	۱.۷۰	۲۰۰۰
۰.۷۴۵	۱۷۵۲۰	۲.۸	۱.۱۳	۰.۷۴	۲۰۱۰
۰.۷۵۵	۱۷۹۵۲	۳.۸	۶.۱۳	۴.۷۴	۲۰۱۱
۰.۷۶۹	۱۶۵۹۶	۵.۸	۶.۱۳	۴.۷۴	۲۰۱۲
۰.۷۷۰	۱۶۰۶۳	۶.۸	۹.۱۴	۱.۷۵	۲۰۱۳
۰.۷۷۴	۱۶۵۴۳	۸.۸	۸.۱۴	۴.۷۵	۲۰۱۴
۰.۷۷۴	۱۶۳۹۵	۸.۸	۸.۱۴	۶.۷۵	۲۰۱۵

مأخذ: Briefing note for countries on the ۲۰۱۶ Human Development Report, ۲۰۱۶, p.۳

## نتایج، چشم‌انداز و راهبرد آینده

از زمستان ۱۳۹۰ تا کنون تهدیدهای اقتصادی خارجی به یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی تبدیل شد. از یک سو فرایند برنامه‌ریزی توسعه در محیطی نسبتاً ثابت از بین رفت و از سوی دیگر مسئولان اجرایی کشور از عهده حل مسئله تحریم‌های به‌اصطلاح فلج‌کننده بر نمی‌آمدند؛ از این رو رهبری نظام ابتکار عمل را در دست گرفت و راهبرد «اقتصاد مقاومتی» را به عنوان راهکار بلندمدت کشور با تعریف و تبیین مؤلفه‌ها، الزامات، انگیزه‌ها و نهایتاً سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲/۱۱/۲۹) ارائه کرد. دولت جدید پس از روی کار آمدن در سال ۱۳۹۲ به جای آشناسدن با واقعیت‌های اقتصادی کشور، مشغول اقدامات برجامی برای لغو قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت شد [بیستم ژوئیه ۲۰۱۵ (سال ۱۳۹۴) قطعنامه ۲۲۳۱]؛ اما بر خلاف انتظار، تحریم‌های ارزی و بانکی همچنان باقی ماند و پیامدهای مورد انتظار برجام تحقق نیافت؛ از این رو در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۹ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه توسط مقام معظم رهبری در نامه‌ای به رئیس‌جمهور وقت ابلاغ شد که بر پایه محورهای سه‌گانه «اقتصاد مقاومتی»، «پیشتازی در عرصه علم و فناوری» و «تعالی و مقاومسازی فرهنگی» طراحی شده بود.

با وجود پیشنهاد و تأکید مقام معظم رهبری بر ایجاد قرارگاه فرماندهی اقتصاد مقاومتی توسط دولت و توجه به وضعیت جنگ اقتصادی با دشمن، متأسفانه رویکرد تیم اقتصادی دولت، دشمن‌ستیزی نبود و همین در عمل

سبب بر زمین ماندن راهبرد اقتصاد مقاومتی شد. چشم‌انداز و راهبرد آینده در بیانات مقام معظم رهبری کاملاً تجلی یافته است: «کشور بدون اقتصاد مقاومتی رشد نخواهد کرد، مشکلات اقتصادی‌اش برطرف نخواهد شد، بلکه گرفتاری‌هایش روز به روز بیشتر خواهد شد اگر ما اقتصاد مقاومتی را عمل نکنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴، در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-12471>).

۱۹۴



## منابع

۱. امام خمینی؛ کشف الاسرار؛ قم: پیام اسلام، [بی‌تا].
۲. امینی، علیرضا؛ «تحلیل بازار کار و سیاست‌های اشتغال‌زایی اقتصاد ایران (با تأکید بر برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)»، مجله اقتصادی؛ س ۱۵، ش ۵-۶، مرداد و شهریور ۱۳۹۴.
۳. جندقی، محسن؛ «گزارش "ایران" از دستیابی کشورمان به اهداف توسعه هزاره سوم: هزاره سوم در ایران»، روزنامه ایران؛ ش ۳۷۸۹، ۸/۸/۸۶، در:  
<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=۱۵۲۱۷۳۶>.
۴. جندقی، محمد، «پدیده "پنهان" بازار کار/ جمعیت غیر فعال اقتصادی ۶۱ درصد شد»؛ خبرگزاری مهر؛ شنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۶، در:  
<https://www.mehrnews.com/news/۴۰۳۰۷۰۰>.
۵. جهانیان، ناصر؛ اسلام و رشد عدالت‌محور؛ چ ۱، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۰/۱۲/۱۳۹۴، در:



- <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۱۲۴۷۱>.
۷. خوش‌کلام خسروشاهی، موسی؛ عرضه و تقاضای نیروی کار در اقتصاد ایران؛ وضعیت موجود و چشم‌انداز آتی، دفتر مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان و مدلسازی)؛ تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴.
  ۸. دانش جعفری، داوود و دیگران؛ اقتصاد ایران در افق ۱۴۰۴؛ چ ۱، تهران: نور علم، ۱۳۹۳.
  ۹. طبیبیان، محمد و دیگران؛ فقر و توزیع درآمد در ایران؛ چ ۱، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۹.
  ۱۰. نیلی، مسعود؛ اقتصاد ایران؛ تهران: دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۱.
  ۱۱. هانت، دایانا؛ نظریه‌های اقتصاد توسعه، تحلیلی از الگوهای رقیب؛ ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
  ۱۲. Bertelsmann Stiftung and Sustainable Development Solutions Network; **SDG Index and Dashboards Report**; Bertelsmann Stiftung and Sustainable Development Solutions Network, New York: ۲۰۱۷.
  ۱۳. **Briefing note for countries on the ۲۰۱۶ Human Development Report, Iran (Islamic Republic of) ; UNDP, ۲۰۱۶.**



۱۴. Nafziger, E. Wayne; **From Seers to Sen**: The meaning of economic development; Helsinki: The United Nations University World Institute for Development Economics Research (UNU-WIDER), ۲۰۰۶.
۱۵. Salai-i-Martin Xavier and Artadi Elsa V.; **Economic Growth and Investment in the Arab World**; New York: Columbia University, ۲۰۰۲.
۱۶. United Nations Development Programme (UNDP); Fighting climate change: Human solidarity in a divided world, Human Development Report ۲۰۰۷/۸, New York: the United Nations Development Programme, ۲۰۰۷.
۱۷. **United Nations Development Programme (UNDP)** ; overcoming barriers: Human mobility and development, Human development report ۲۰۰۹, New York: the United Nations Development Programme, ۲۰۰۹.
۱۸. **United Nations Development Programme (UNDP)**; Sustaining Human Progress: Reducing Vulnerabilities and Building Resilience, Human development report ۲۰۱۴, New York: the United Nations Development Programme, ۲۰۱۴.

۱۹. **United Nations Development Programme (UNDP); the Rise of the South: Human Progress in a Diverse World, Human Development Report ۲۰۱۳**, New York: the United Nations Development Programme, ۲۰۱۳.
۲۰. **United Nations in the Islamic Republic of Iran and Plan and Budget Organization of the Islamic Republic of Iran; Human Development Report of the Islamic Republic of Iran**, Tehran, ۱۹۹۹.

